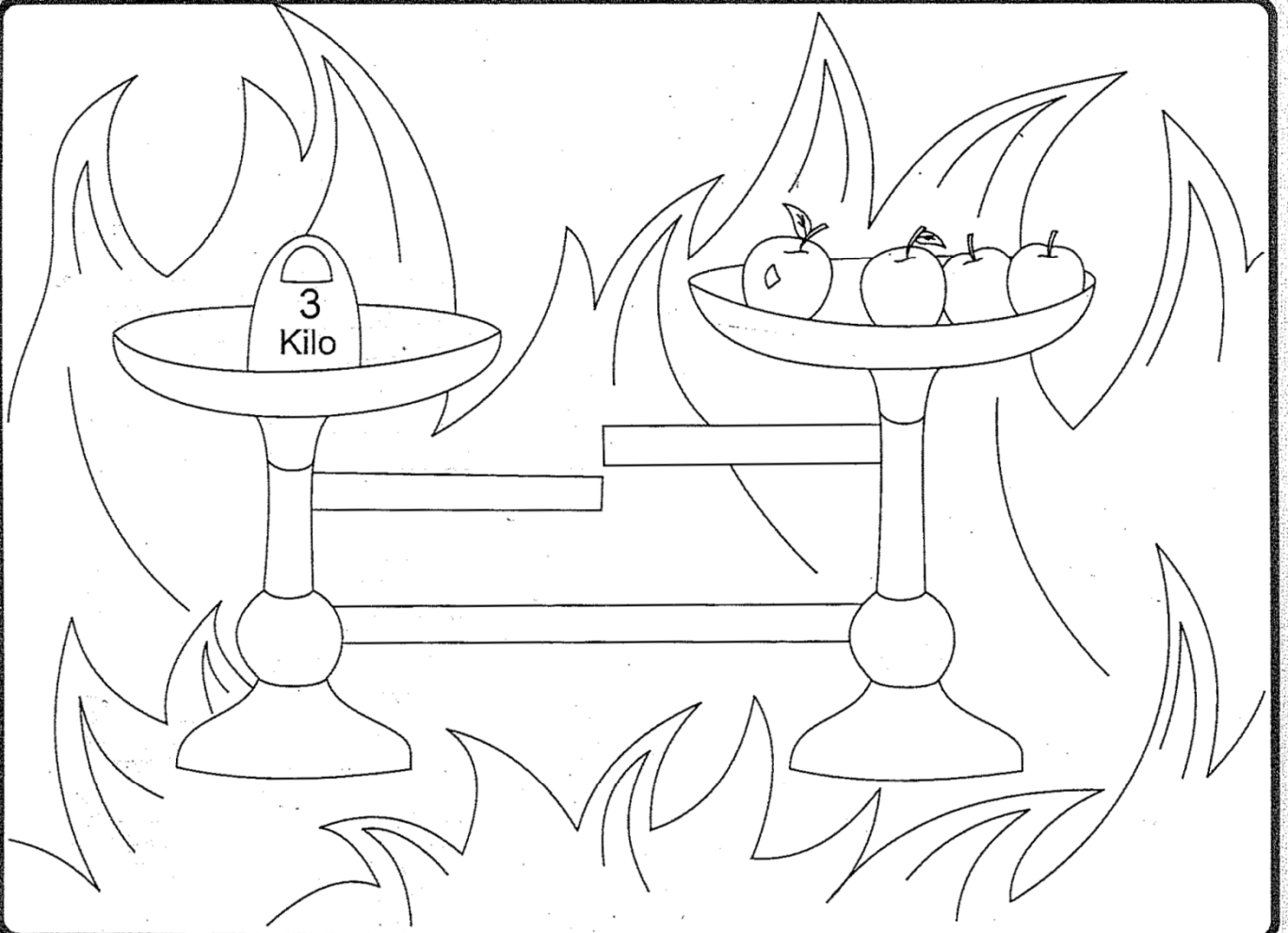


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾

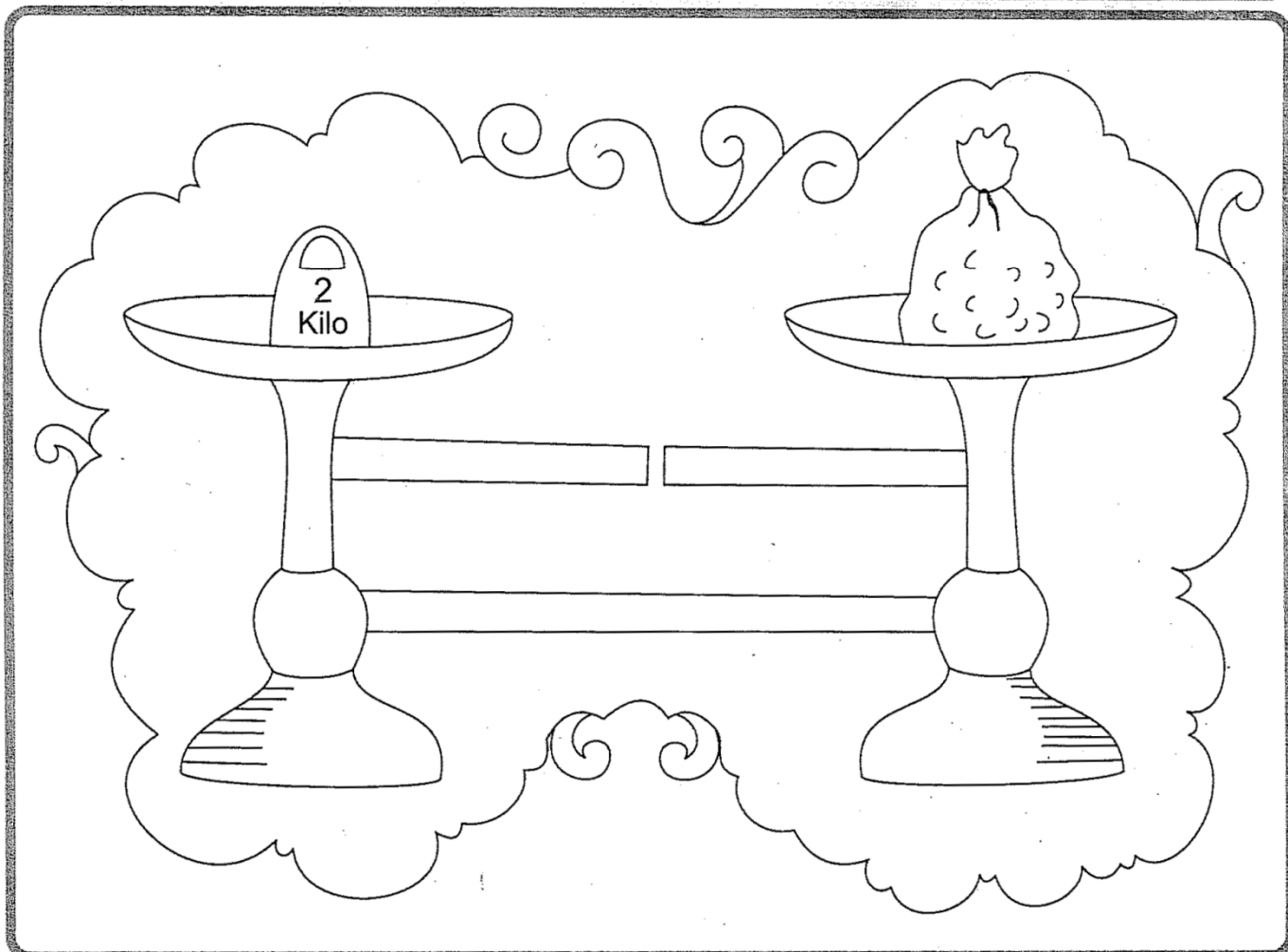


وای به حال کم فروشان.

Woe to the stinters.

Malheur aux fraudeurs.

الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾

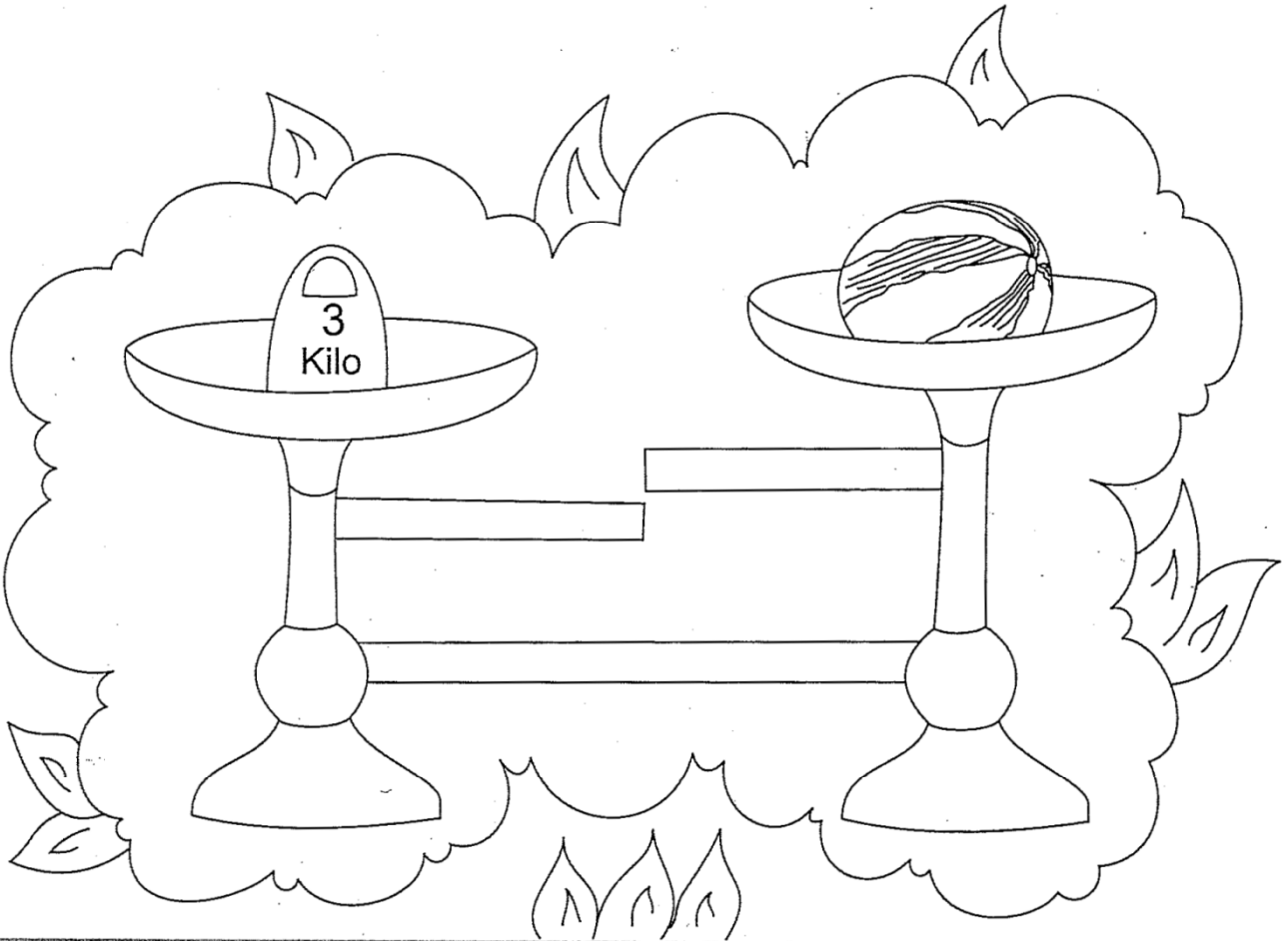


آن هایی که وقتی از دیگران چیزی -به پیمانه- می گیرند، حق خود را به طور کامل می ستانند.

who, when they measure against the people, take full measure.

qui, lorsqu'ils font mesurer pour eux -mêmes exigent la pleine mesure.

وَإِذَا كَالُوا لَهُمْ أَوْ وَزَنُوا لَهُمْ يَخْسِرُونَ ﴿٣﴾



و اما وقتی به دیگران چیزی را با پیمانه یا ترازو می دهند، از حق آن ها می کاهند و کم می دهند.

but, when they measure for them or weigh for them, do skimp.

et qui lorsqu'eux- mêmes mesurent ou pèsent pour les autres,  
[leur] causent perte.

الَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُم مَّبْعُوثُونَ ﴿٤﴾



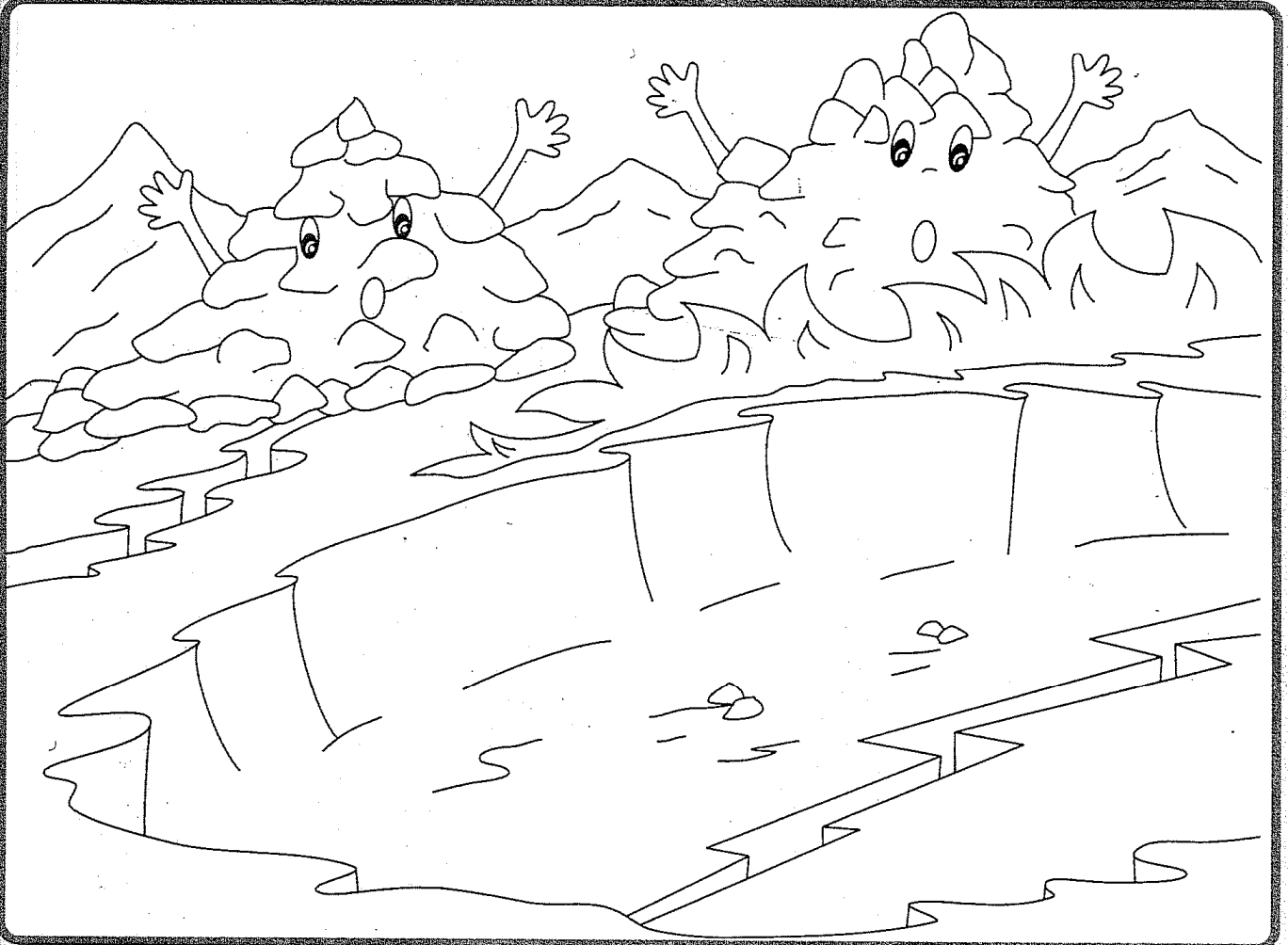
مگر آن ها نمی دانند که پس از مرگ، برای بررسی و حساب کارهایشان دوباره زنده خواهند شد؟

Do those not think that they shall be raised up?

Ceux -là ne pensent-ils pas qu'ils seront ressuscités?



لَيَوْمٍ عَظِيمٍ

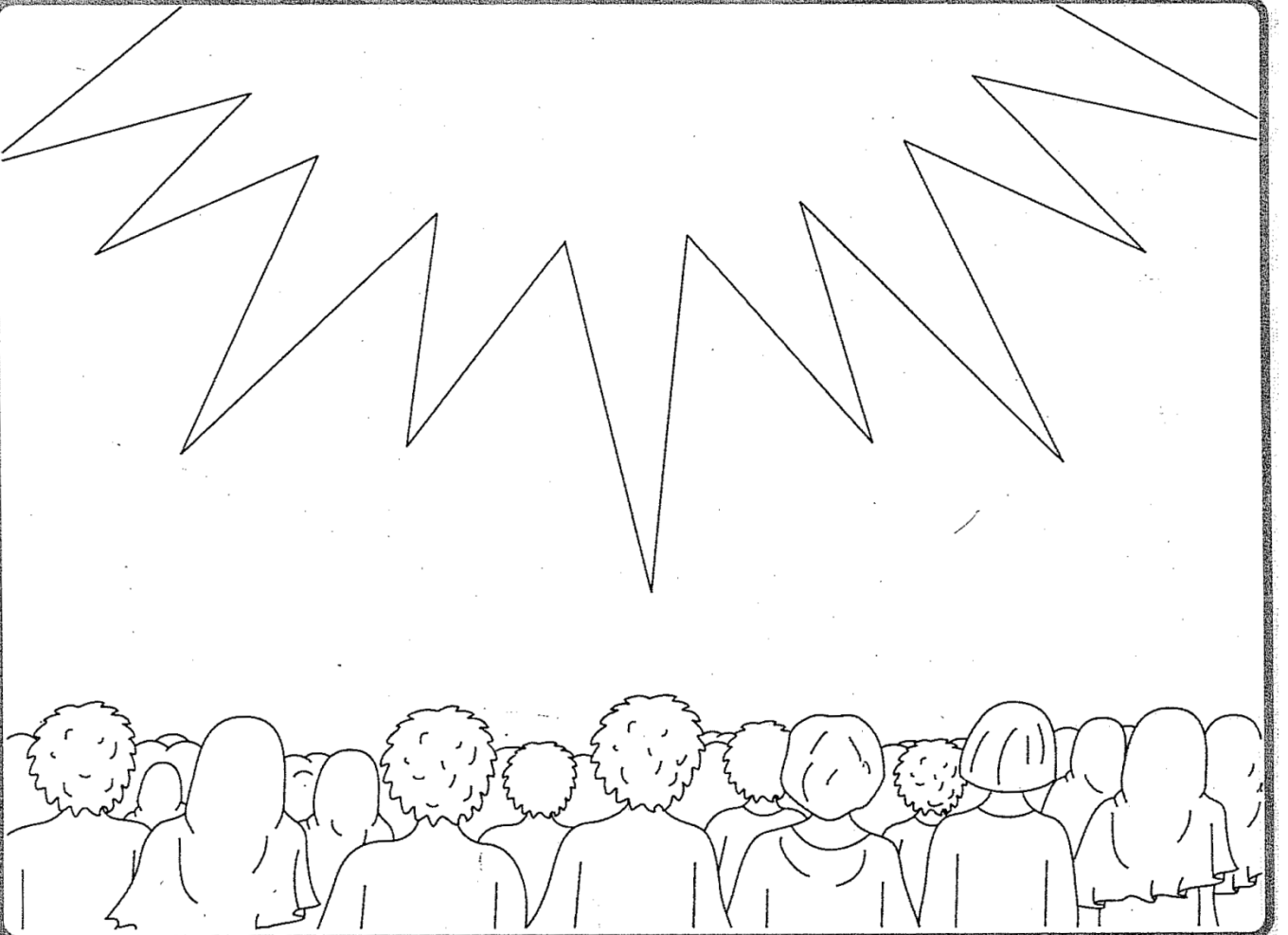


در روزی بزرگ

unto a Mighty Day,

en un jour terrible,

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾

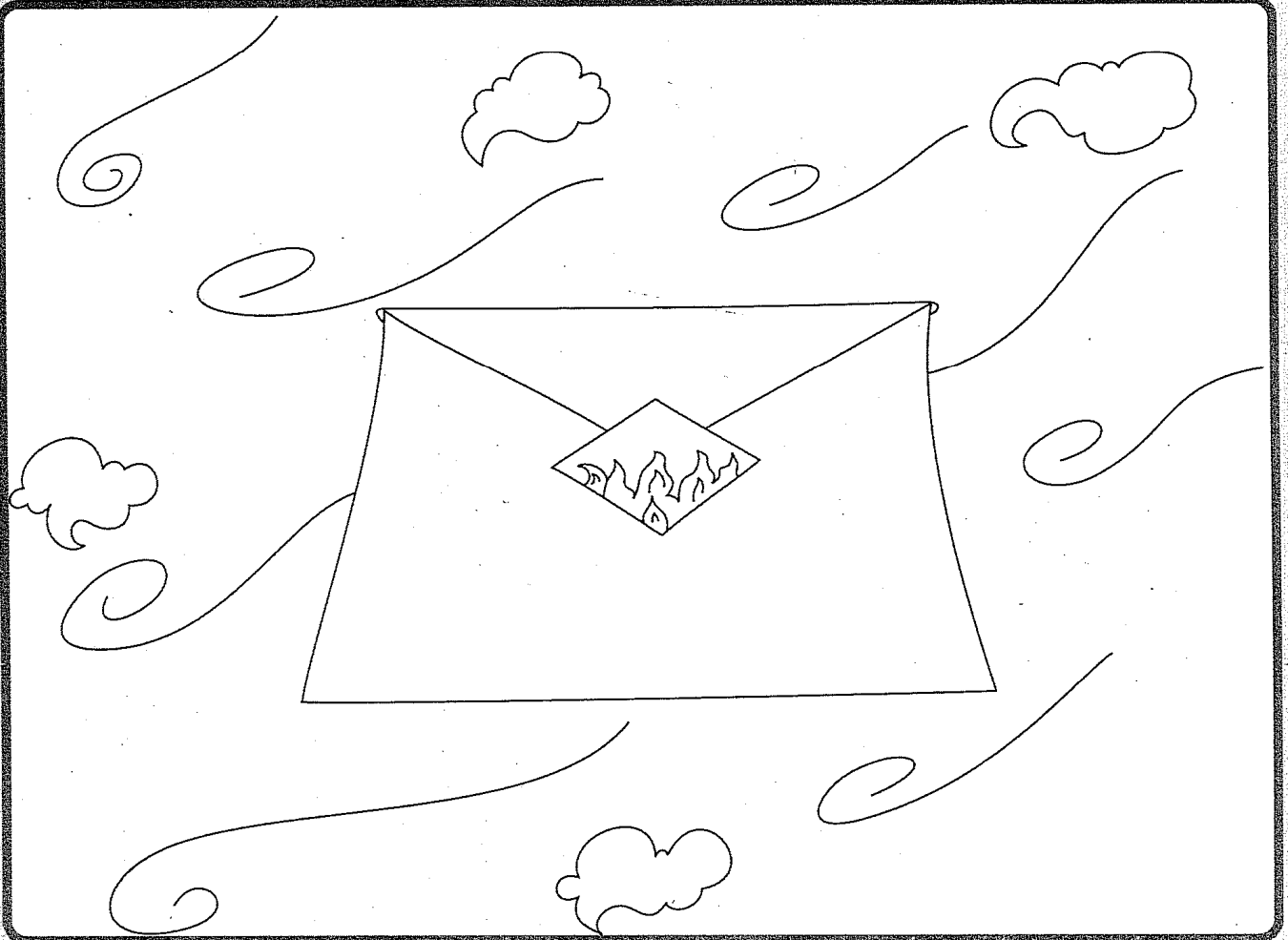


روزی که در آن، همه مردم، برای پس دادن حساب کارهایشان، در برابر آفریدگار جهانیان به پا می ایستند.

a day when mankind shall stand before the Lord of all Being?

le jour où les gens se tiendront debout devant le Seigneur de l'Univers?

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ﴿٧﴾

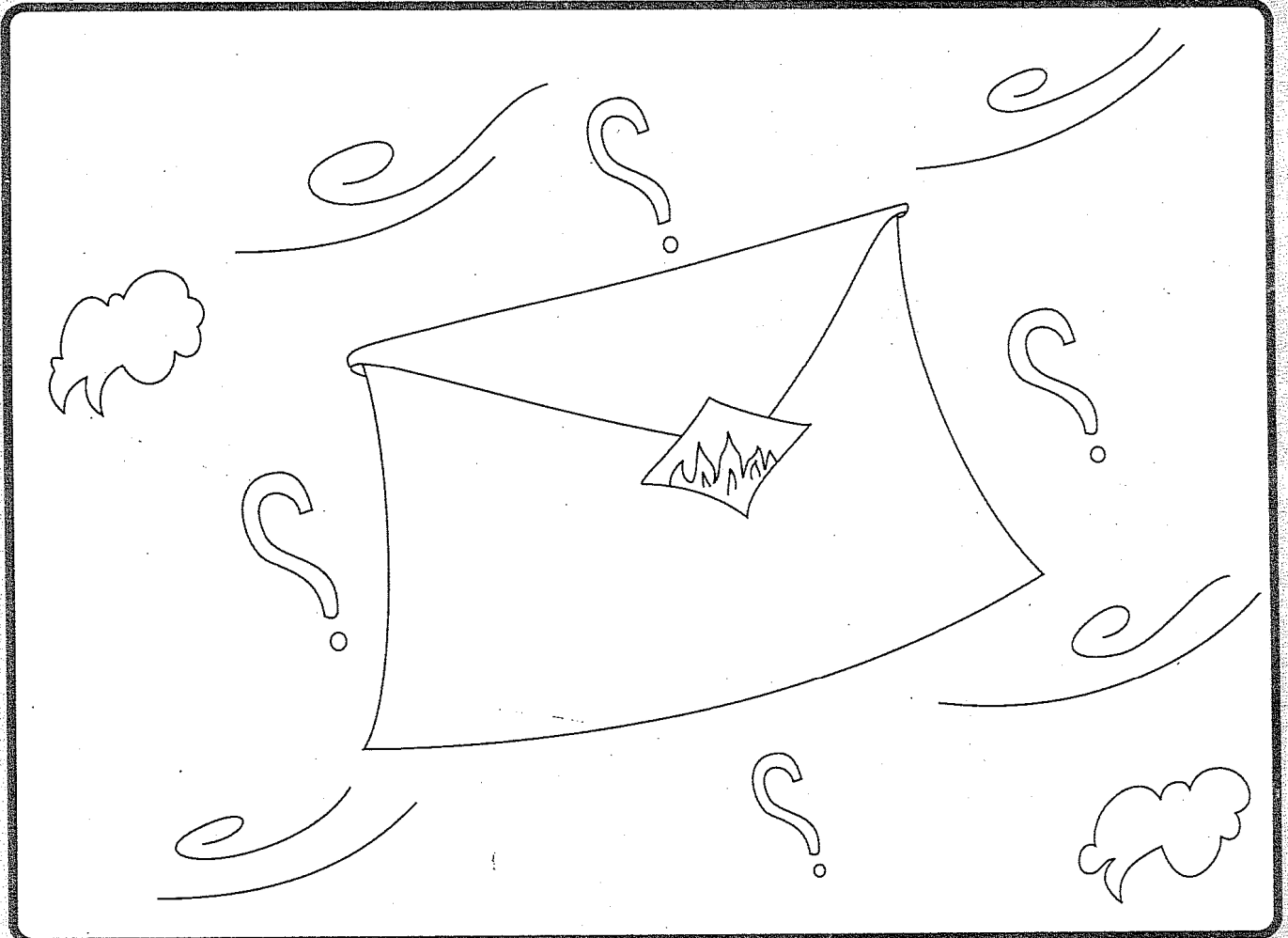


آگاه باشید که در آن روز، سرنوشت بدکاران در «سجین» است.

No indeed; the Book of the libertines is in Sijjin.

Non...! Mais en vérité le livre des libertins sera dans le Sijjin.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ ﴿٨﴾

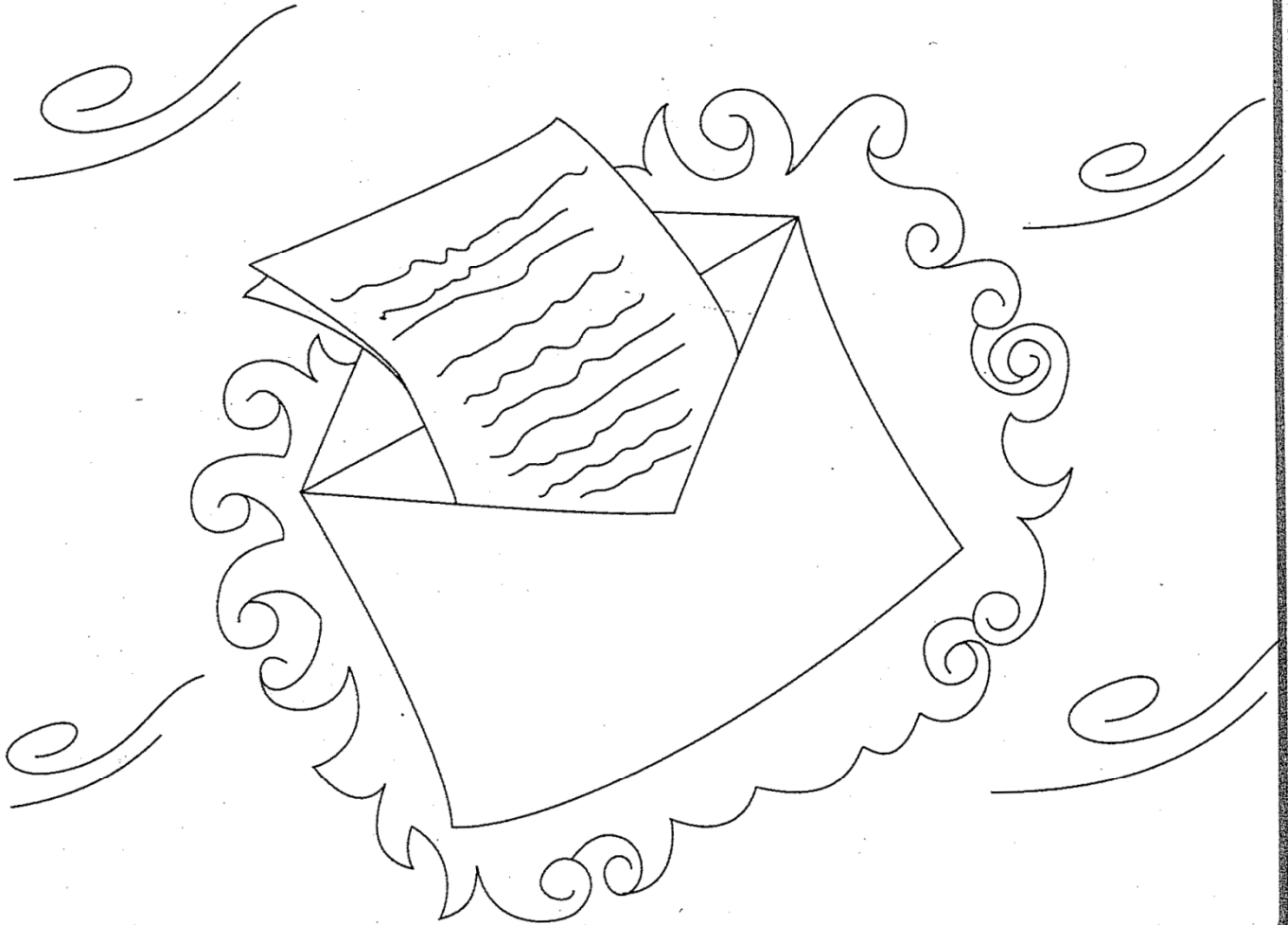


و تو چه می دانی که «سجین» چیست؟

and what shall teach thee what is sijjin?

et qui te dira ce qu'est le Sijjin?

کتاب مرقوم  
۹



سجین بدترین جای جهنم، و سرنوشت بی تردیدی است که برای گناهکاران رقم خورده است.

A book inscribed.

un livre déjà cacheté (achevé).

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾



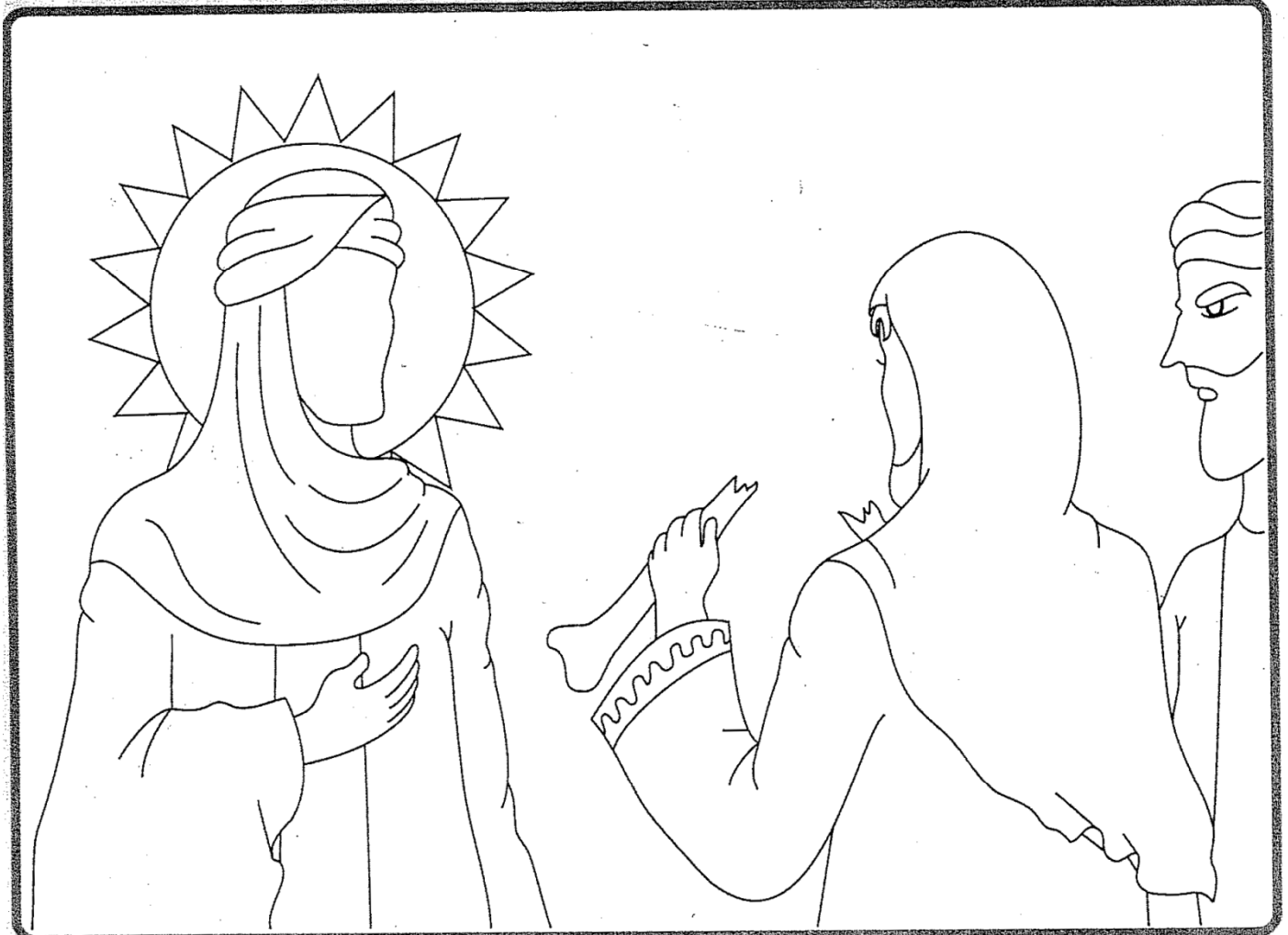
در چنان روزی، وای به حالِ ناباورانِ بی ایمان

Woe that day unto those who cry it lies

Malheur, ce jour-là, à ceux qui crient au mensonge



الَّذِينَ يَكْذِبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ



همان کسانی که روز قیامت را قبول نداشتند و دروغ می شمردند.

who cry lies to the Day of Doom.

qui démentent le jour de la Rétribution.

وَمَا يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾



البته کسی جز ستمگران گناهکار، آن را دروغ نمی پندارد.

and none cries lies to it but every guilty aggressor.

Or, ne le dément que tout transgresseur pécheur.

إِذَا نُنِّي عَلَيْهِ إِيْتِنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾



همان کسانی که وقتی آیه های ما برایشان خوانده می شود، می گویند: « این حرف ها افسانه های پیشینیان است.»

When our signs are recited to him, he says, Fairy-tales of the ancients!

qui, lorsque Nos versets lui sont récités, dit: « [Ce sont] des contes d'anciens! »

صَلِّ سِ  
كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾

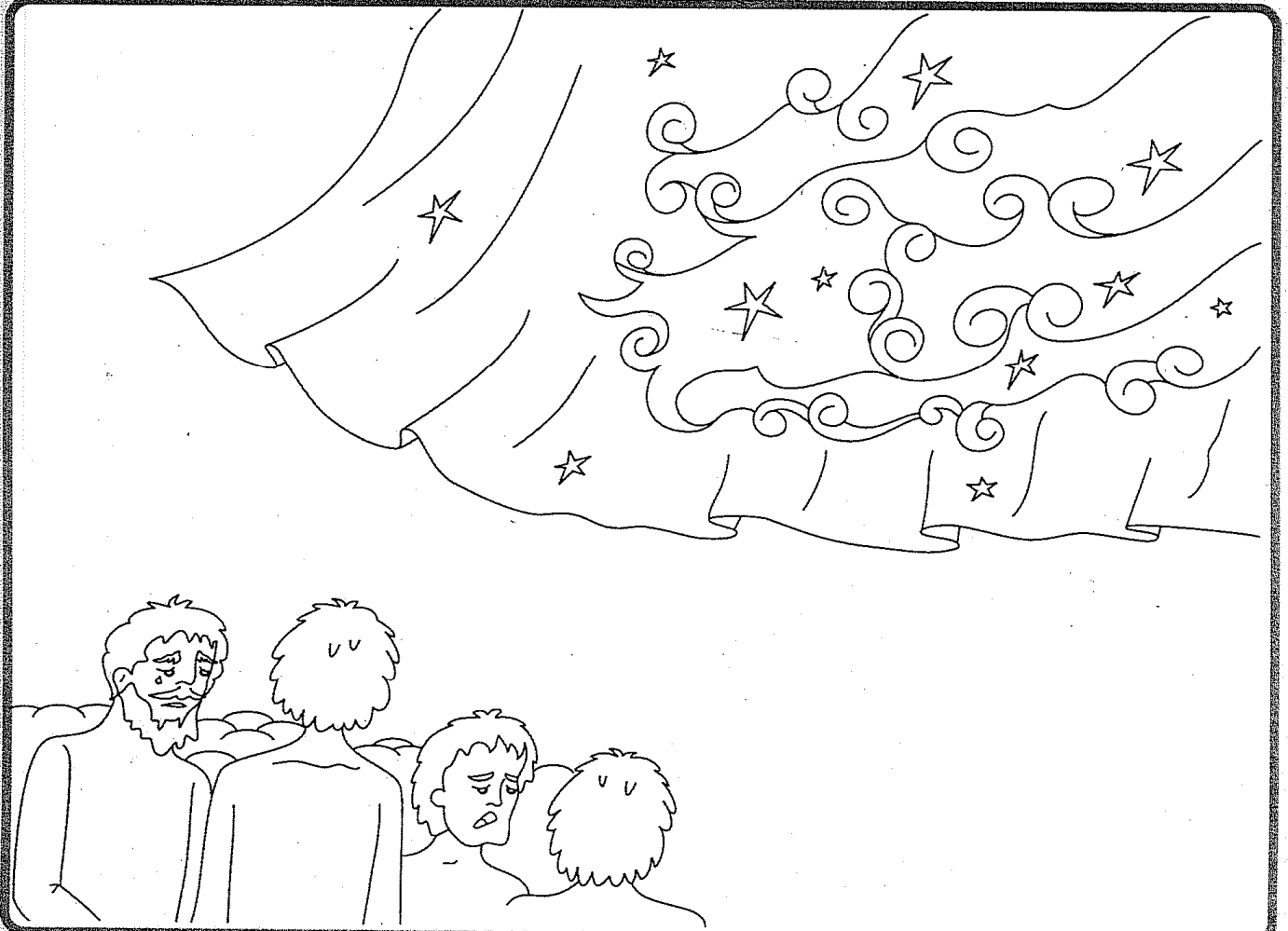


نه، چنین نیست. بلکه آن ها به این دلیل قیامت را نیامدنی و دروغ می شمارند که دلشان در اثر کارهای زشتی که می کرده اند، زنگار گرفته و سیاه شده است.

No indeed; but that they were earning has rusted upon their hearts.

Pas du tout, mais ce qu'ils ont accompli, couvre leurs cœurs.

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّحَجُوبُونَ ﴿١٥﴾

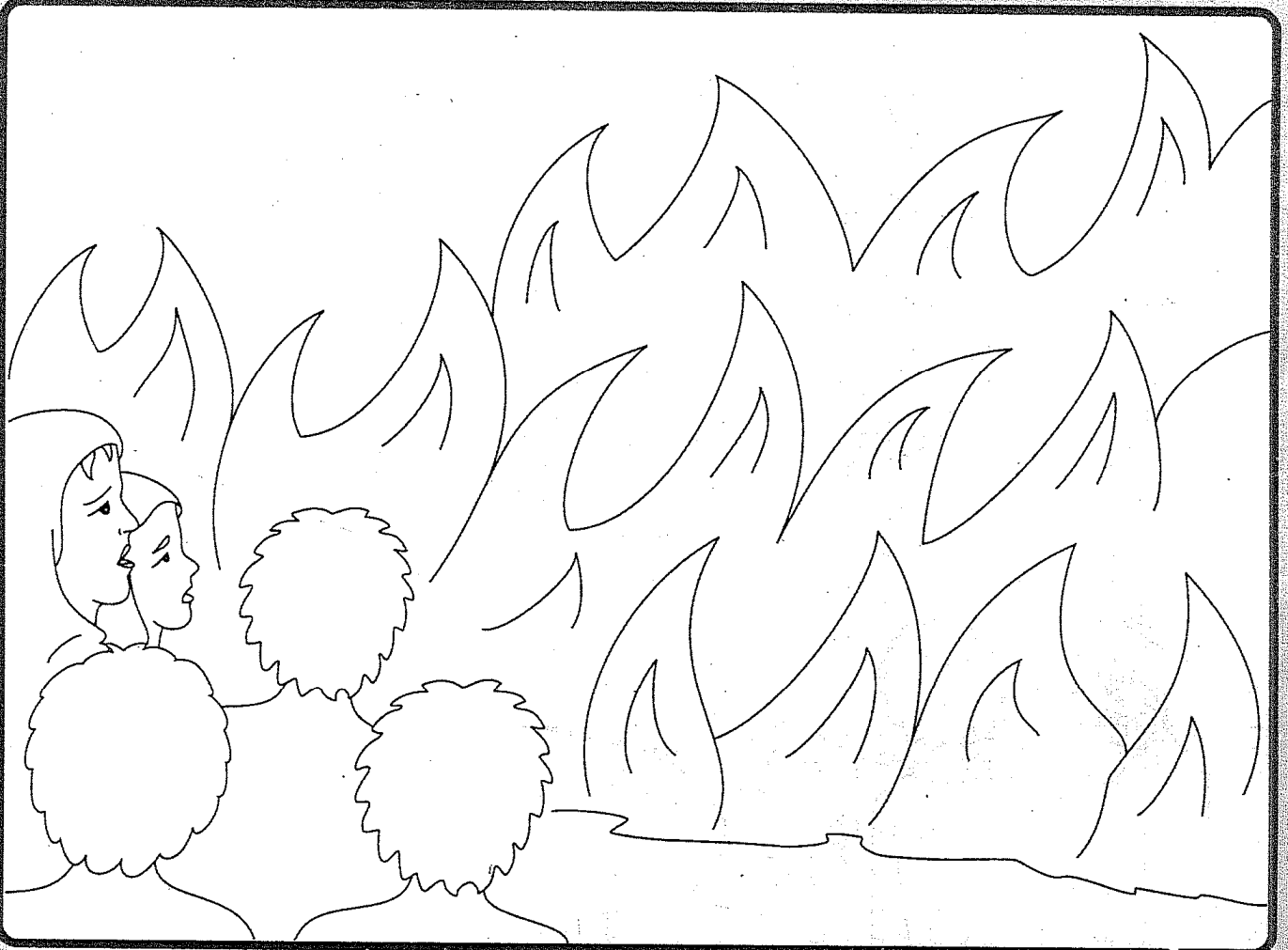


آگاه باشید که این گونه افراد در روز قیامت از رحمت و بخشش خدایشان محروم خواهند شد.

No indeed, but upon that day they shall be veiled from their Lord.

Qu'ils prennent garde! En vérité ce jour-là un voile les empêchera de voir leur Seigneur.

سَمَاءُ انْتَهَمَ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾



پس از آن نیز در آتش جهنم خواهند سوخت.

then they shall roast in Hell.

ensuite, ils brûleront certes, dans la Fournaise.



ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿١٧﴾



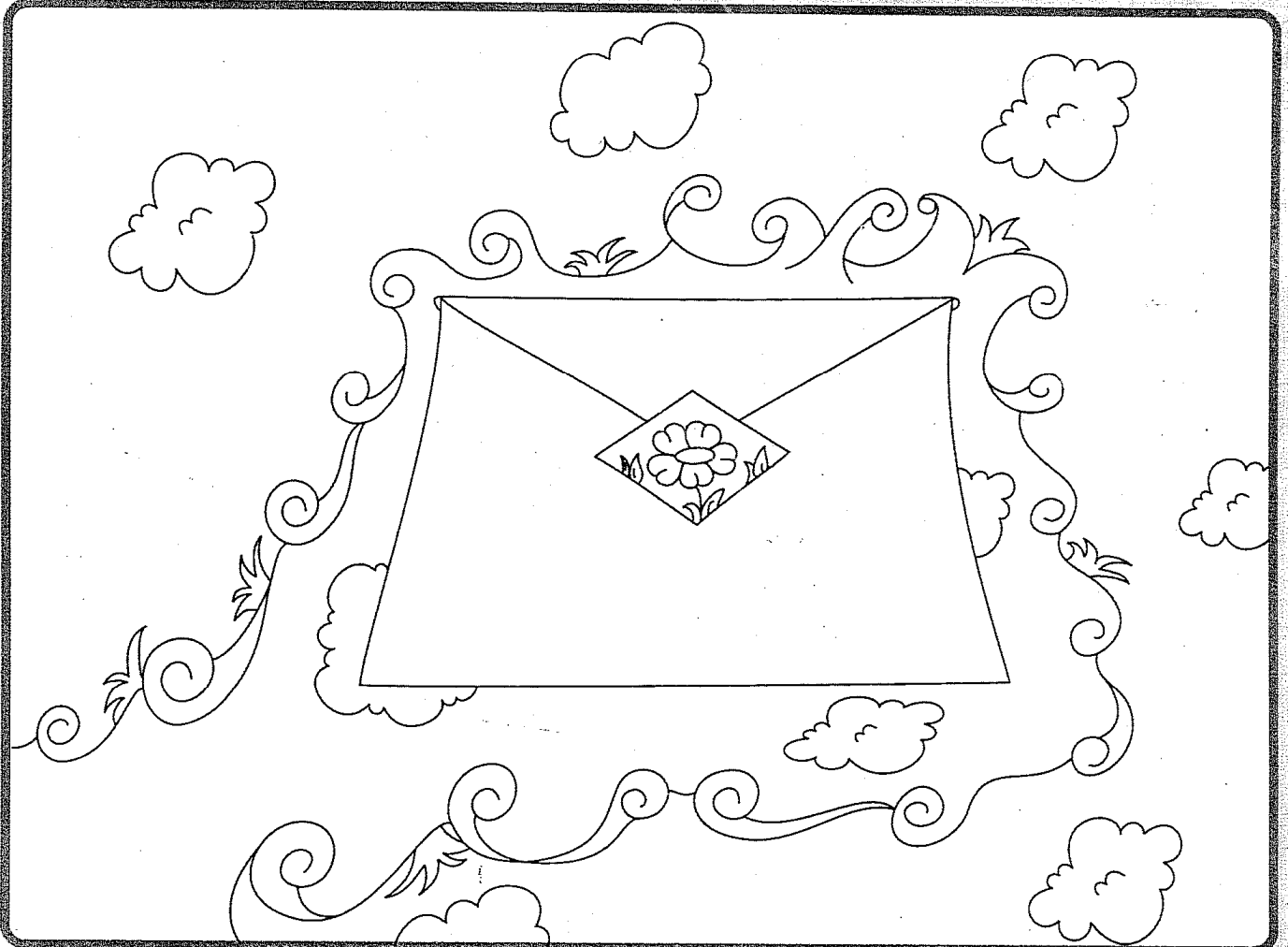
در آن روز به آن ها گفته می شود: «این همان قیامتی است که باورش نمی کردید و آن را دروغ می پنداشتید.»

Then it be said to them, This is that you cried lies to!

on [leur] dira alors: «Voilà ce que vous traitiez de mensonge!»



كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيَيْنَ



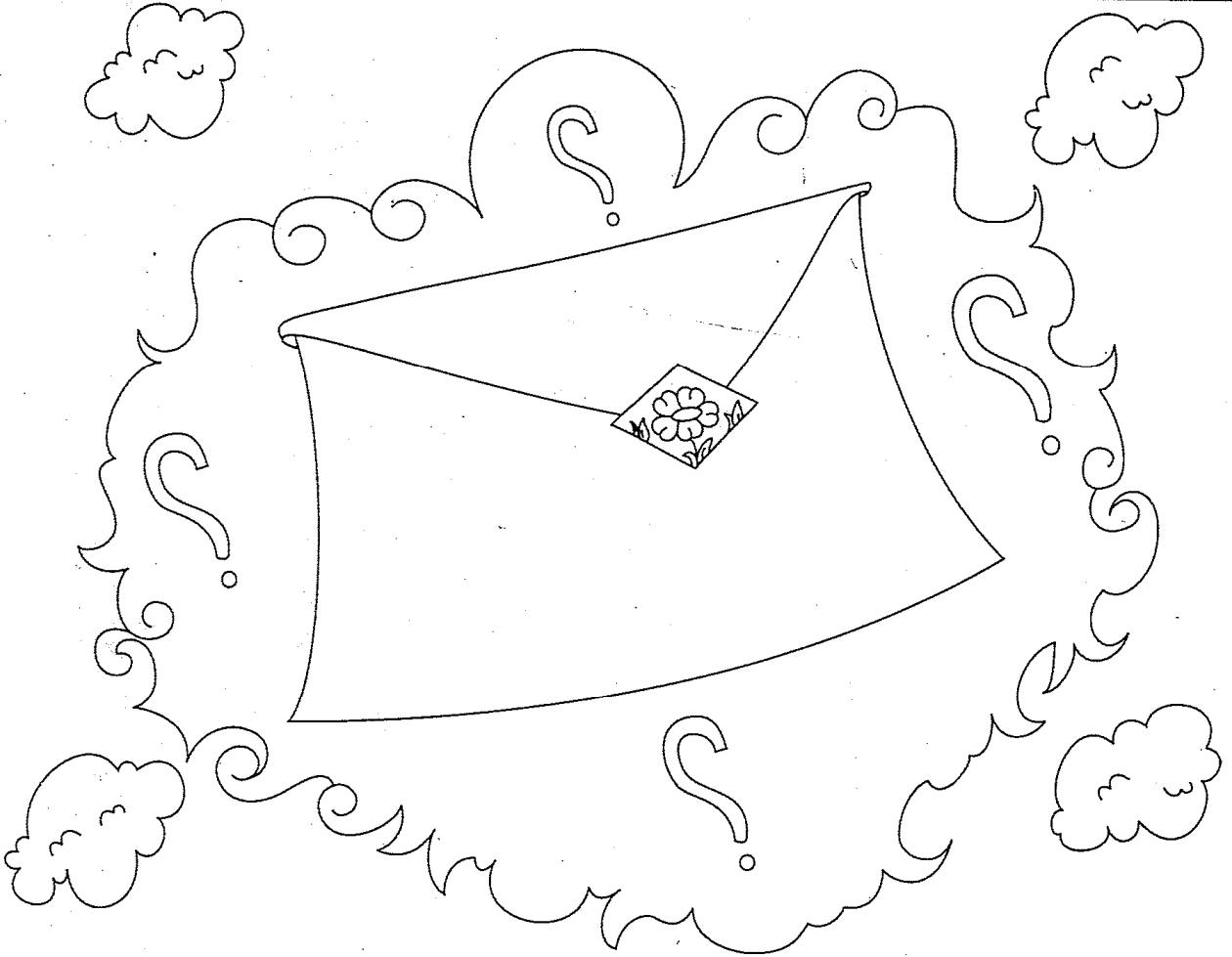
آگاه باشید که در آن روز سر نوشت نیکوکاران با ایمان در «علیین» است.

No indeed; the book of the pious is in Illiyun.

Qu'ils prennent garde! Le livre des charitables sera dans Le Haut Paradis.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ ۙ

۱۹

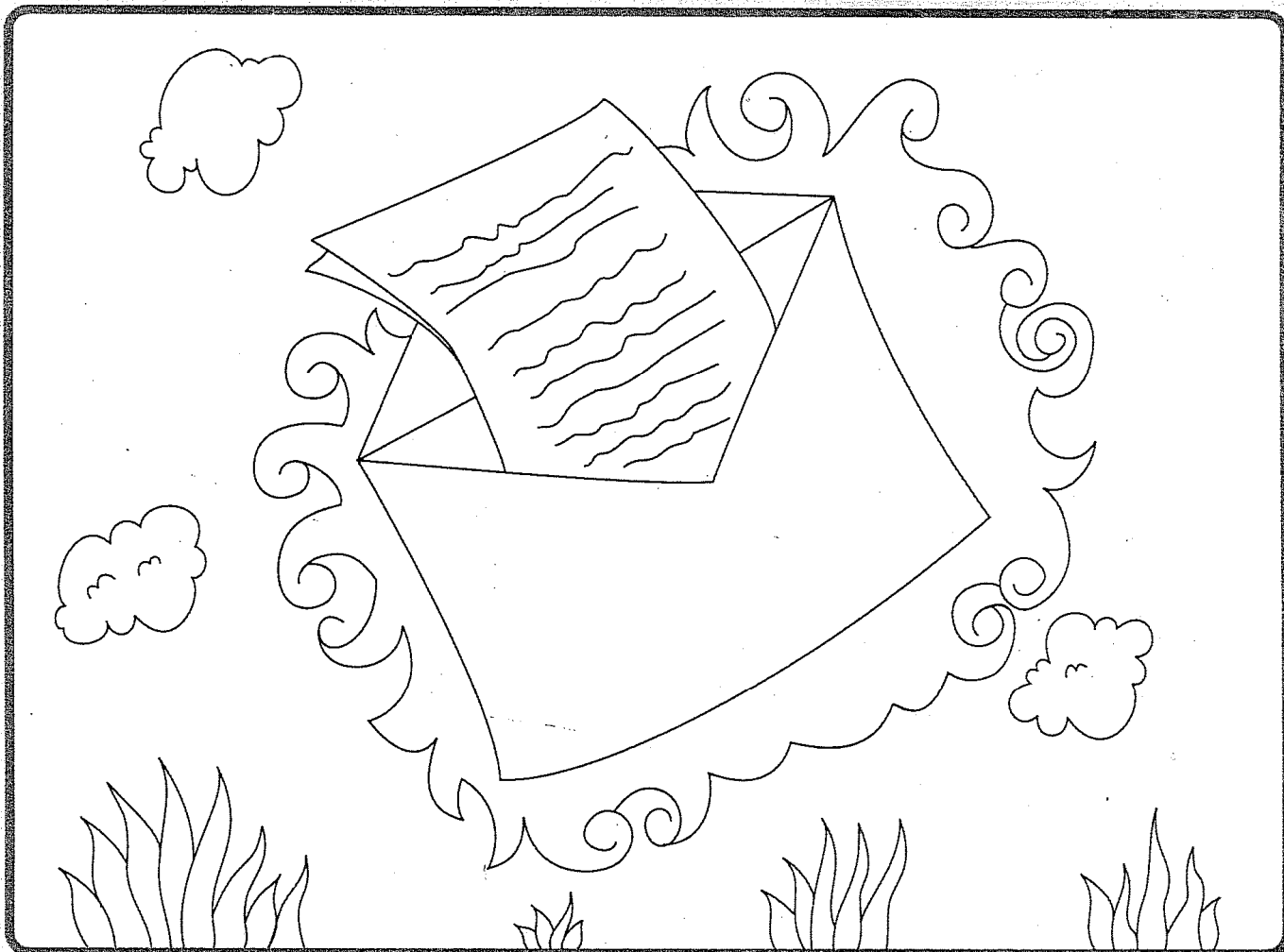


و تو چه می دانی که «علیین» چیست؟

and what shall teach thee what is Illiyun?

et qui te dira ce qu'est Le Haut Paradis?

کتاب مرقوم  
۲۰

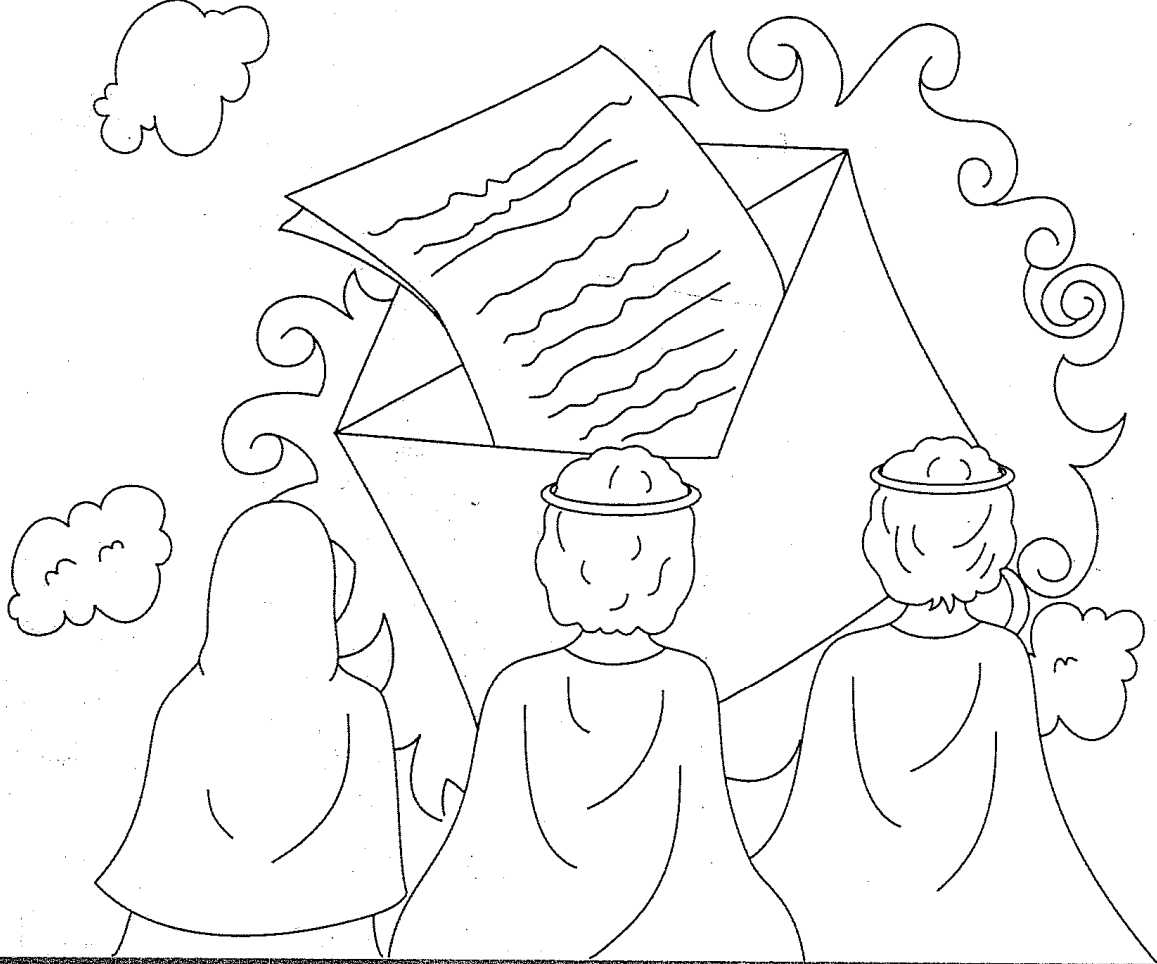


علیین بهترین جای بهشت و سرنوشت بی تردیدی است که برای نیکوکاران رقم خورده است.

A book inscribed.

un livre cacheté! (achevé)

يَشْهَدُهُ الْمُقْرَبُونَ ﴿٢١﴾



و خوبان و نزدیکان درگاه الهی آن را می بینند.

witnessed by those brought nigh.

Les rapprochés (d'Allah, les Anges) en témoignent.

۲۲ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ



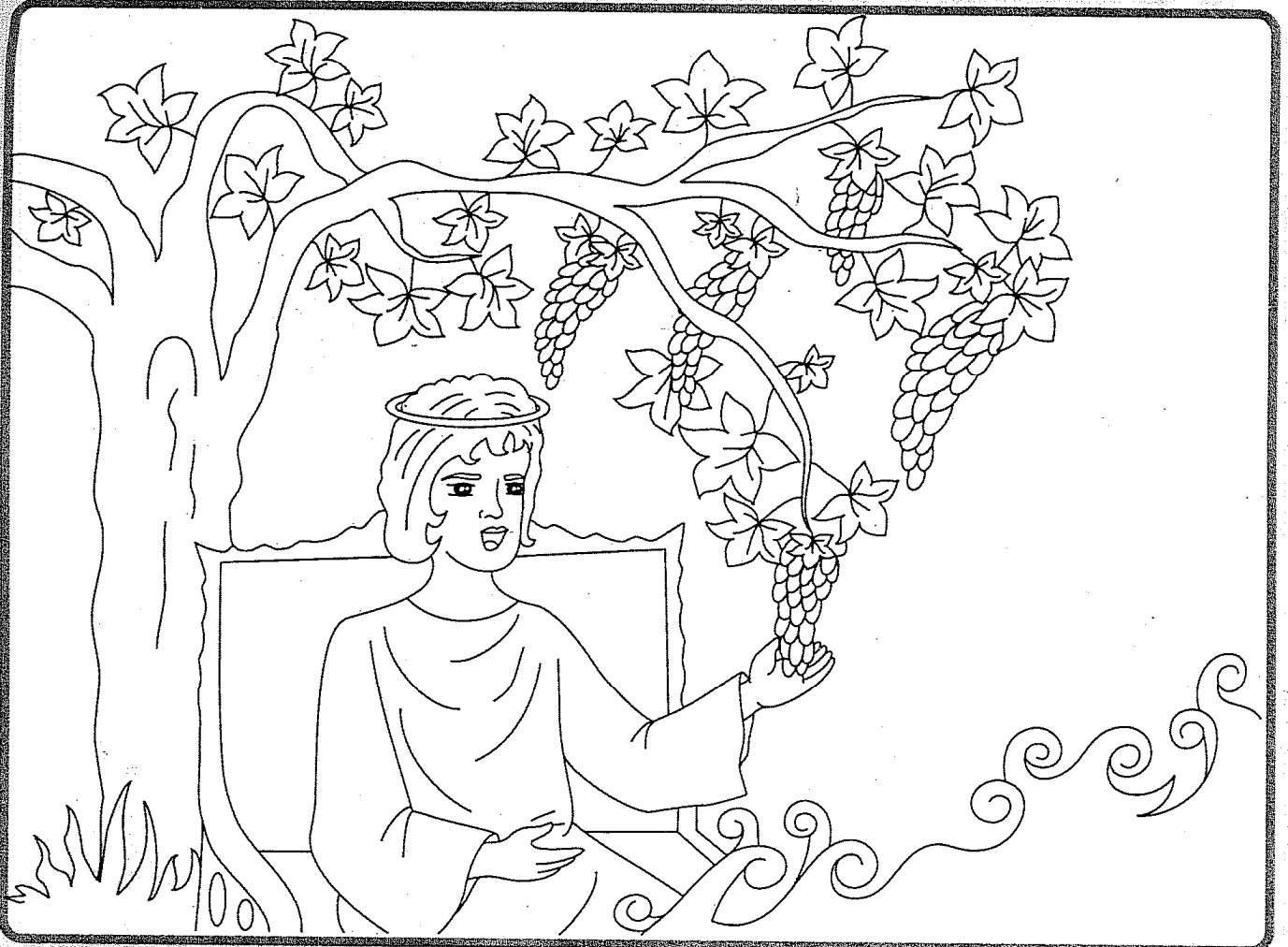
بی گمان در روز قیامت نیکوکاران به بهشت پُر نعمت خدا راه می یابند،

Surely the pious shall be in bliss,

Les charitables seront dans [un jardin] de délice,



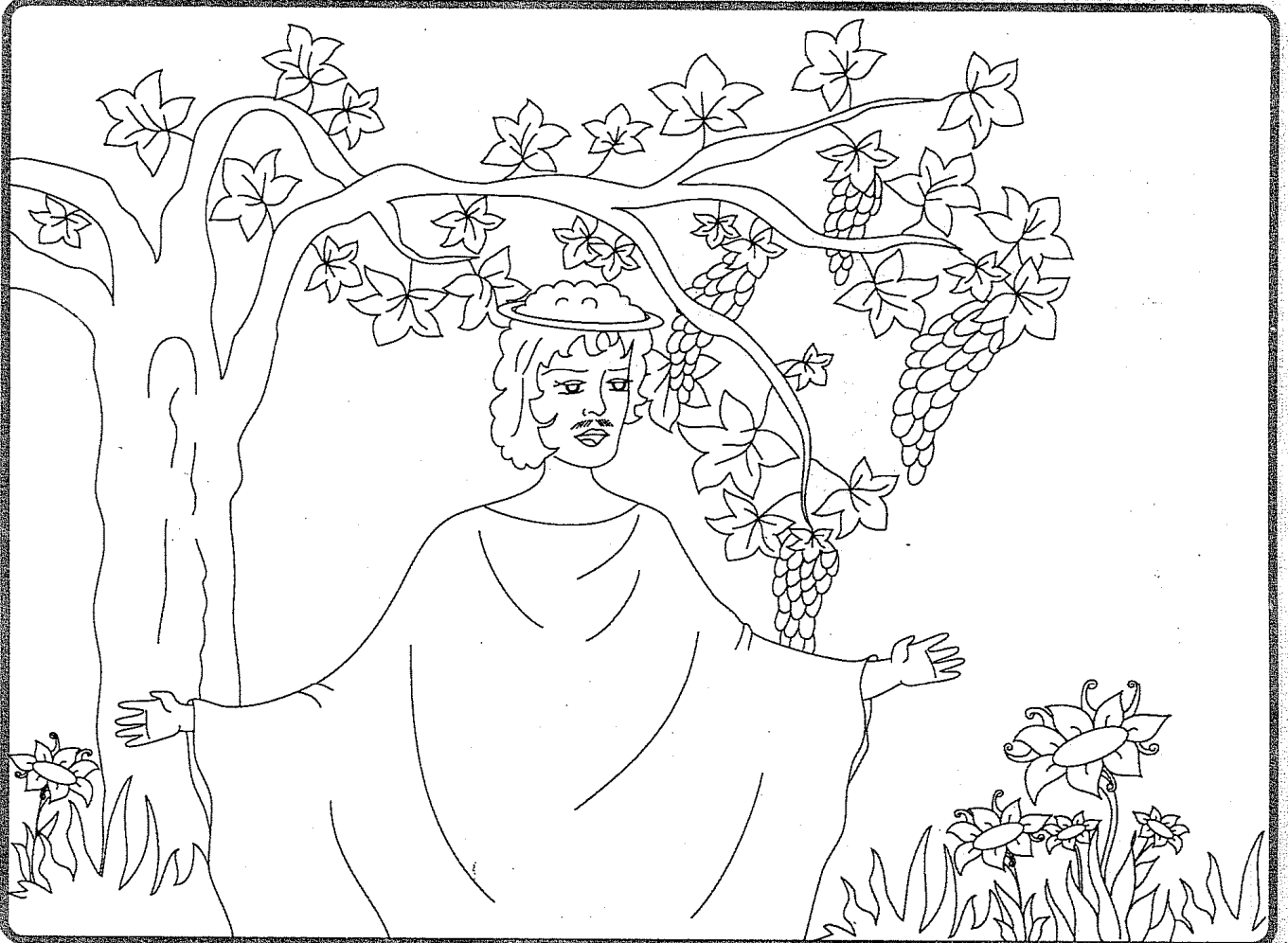
عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٢٣﴾



و در آنجا بر تخت های آراسته سربلندی تکیه می زنند و زیبایی های بهشت را تماشا می کنند.

upon couches gazing.

sur les trônes, ils regardent.

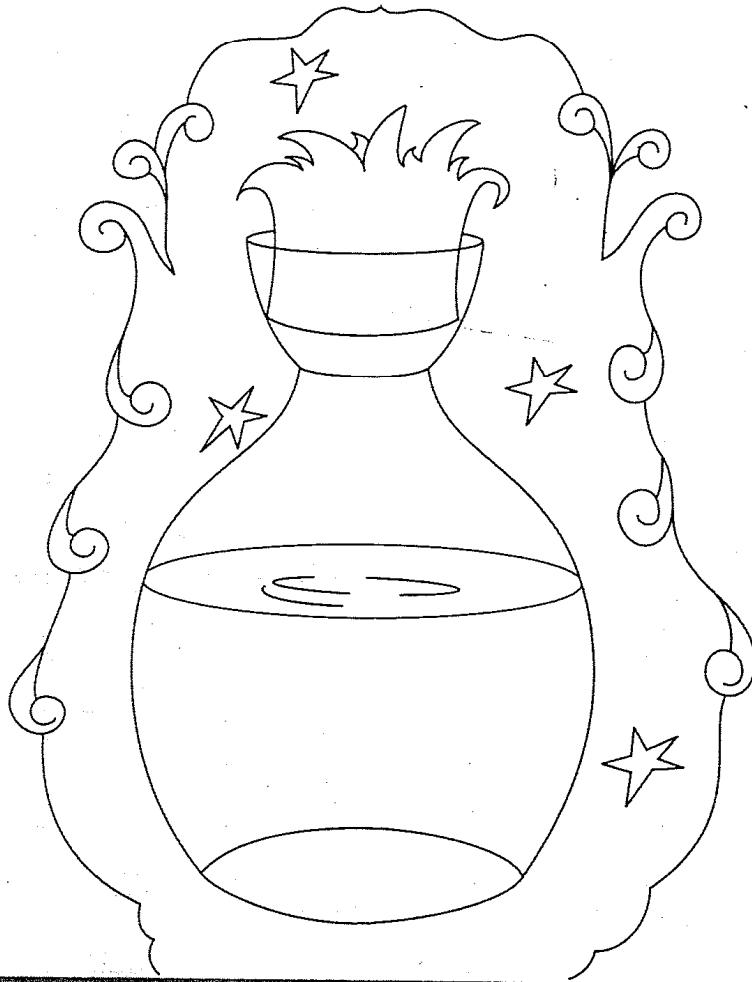


بر چهره های آن ها، خرمی و آثار بهره مندی از نعمت های بهشت را می توان دید.

thou knowest in their faces the radiancy of bliss.

Tu reconnaîtras sur leurs visages, l'éclat de la félicité.

يَسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ﴿٢٥﴾

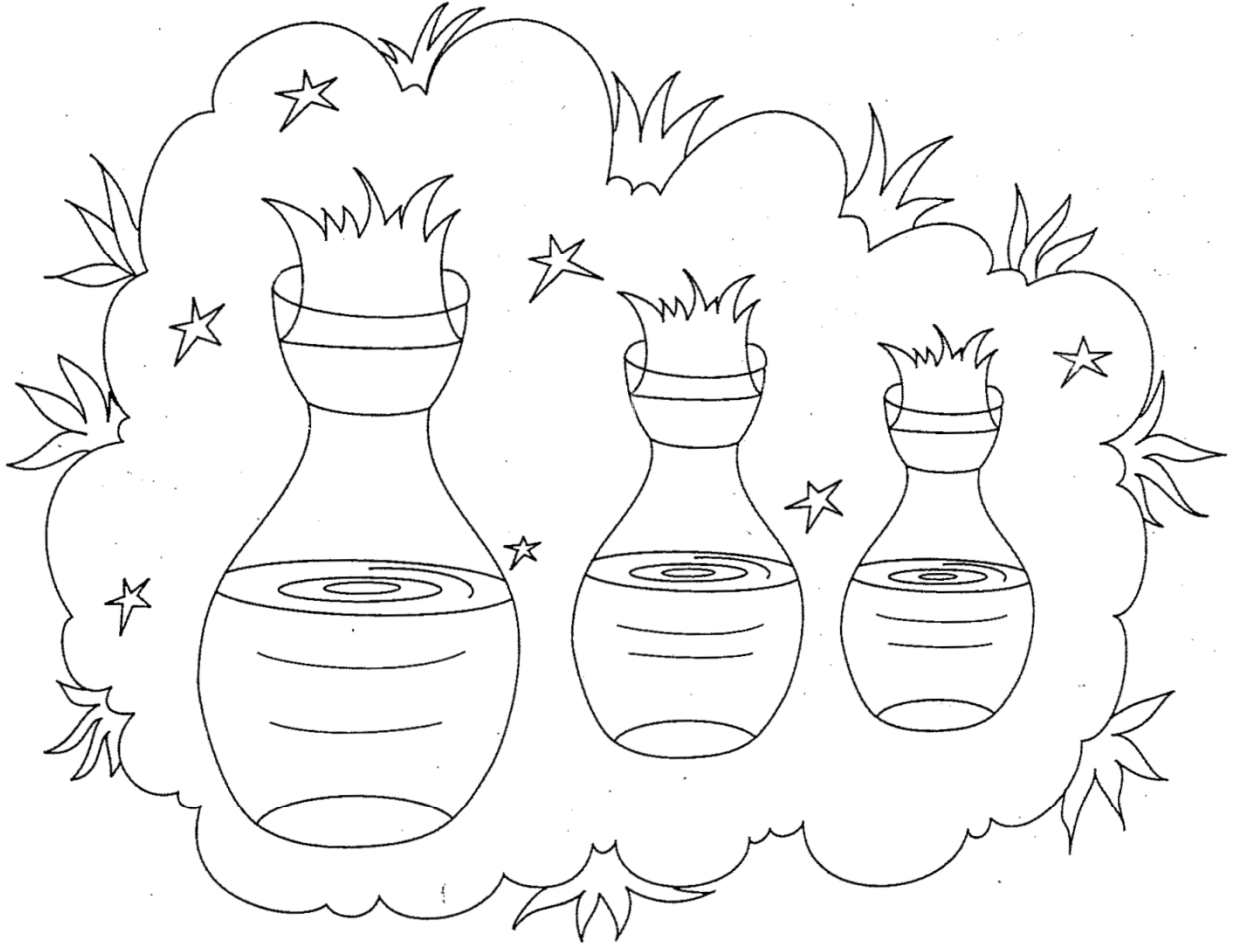


به آن ها در بهشت نوشیدنی پاکه گوارا و دست نخورده ای داده می شود تا بنوشند و سیراب شوند.

as they are given of a wine sealed,

On leur sert à boire un vin pur, cacheté,

خَتَمَهُ مِسْكَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ ﴿٢٦﴾



نوشیدنی‌هایی که با سریش از مُشک مهر شده است. جادارد که عاقلان برای به دست آوردن این همه نعمت باهم رقابت کنند و بر یکدیگر پیشی گیرند.

whose seal is musk - so after that let the strivers strive.

laissant un arrière-goût de musc. Que ceux qui la convoitent entrent en compétition [pour l'acquérir].



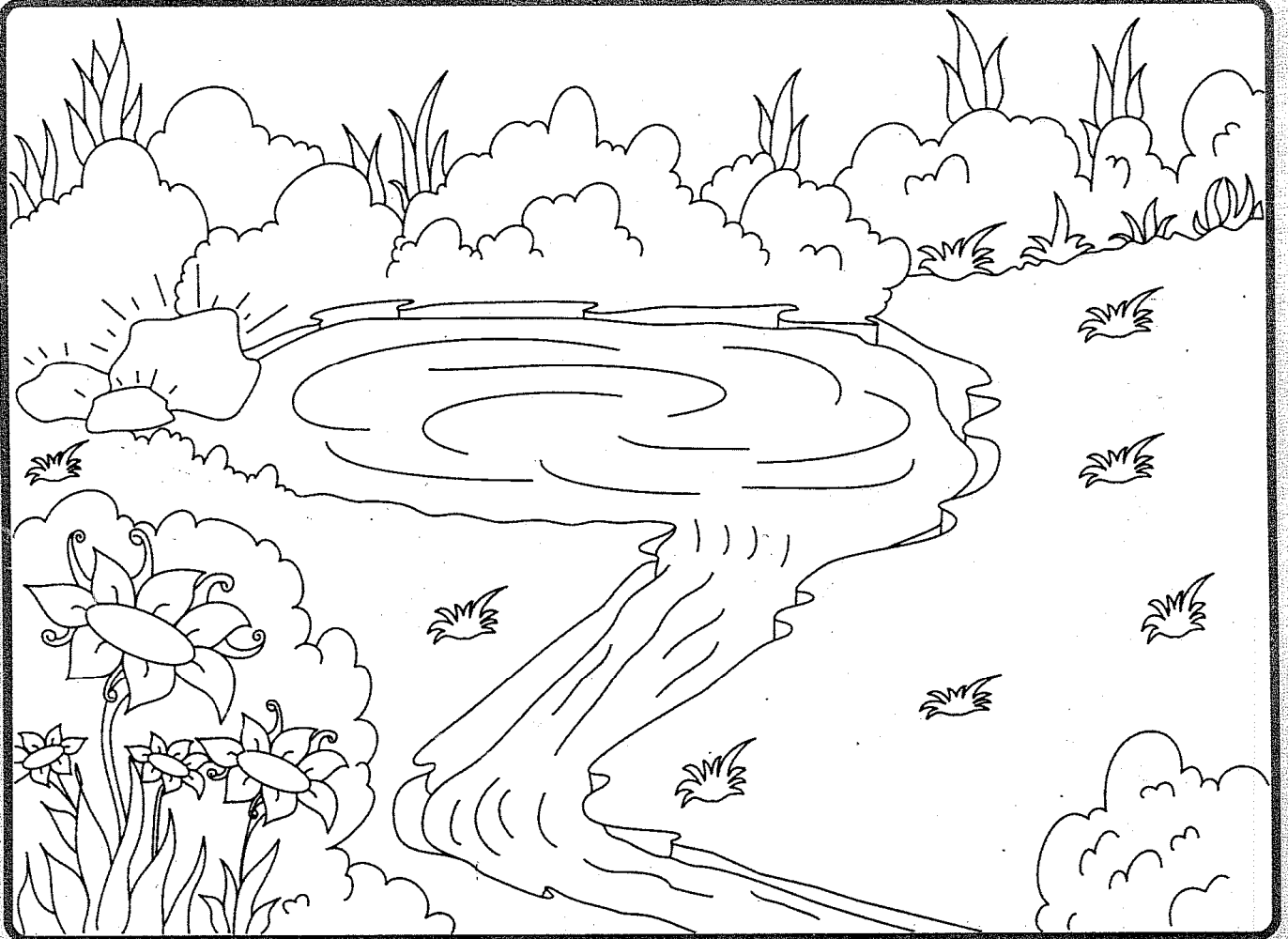
وَمِنْ أَجْهِهِ مِنْ تَسْنِيمٍ



نوشیدنی هایی که با «تسنیم» که گواراترین آب چشمه های بهشتی است مخلوط شده است.

and whose mixture is Tasnim,

Il est mélangé à la boisson de Tasnim,



آب چشمه ای که فقط نیکو کاران و دوستان نزدیک خدا از آن می آشامند.

a fountain at which do drink those brought nigh.

source dont les rapprochés boiront.



إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾

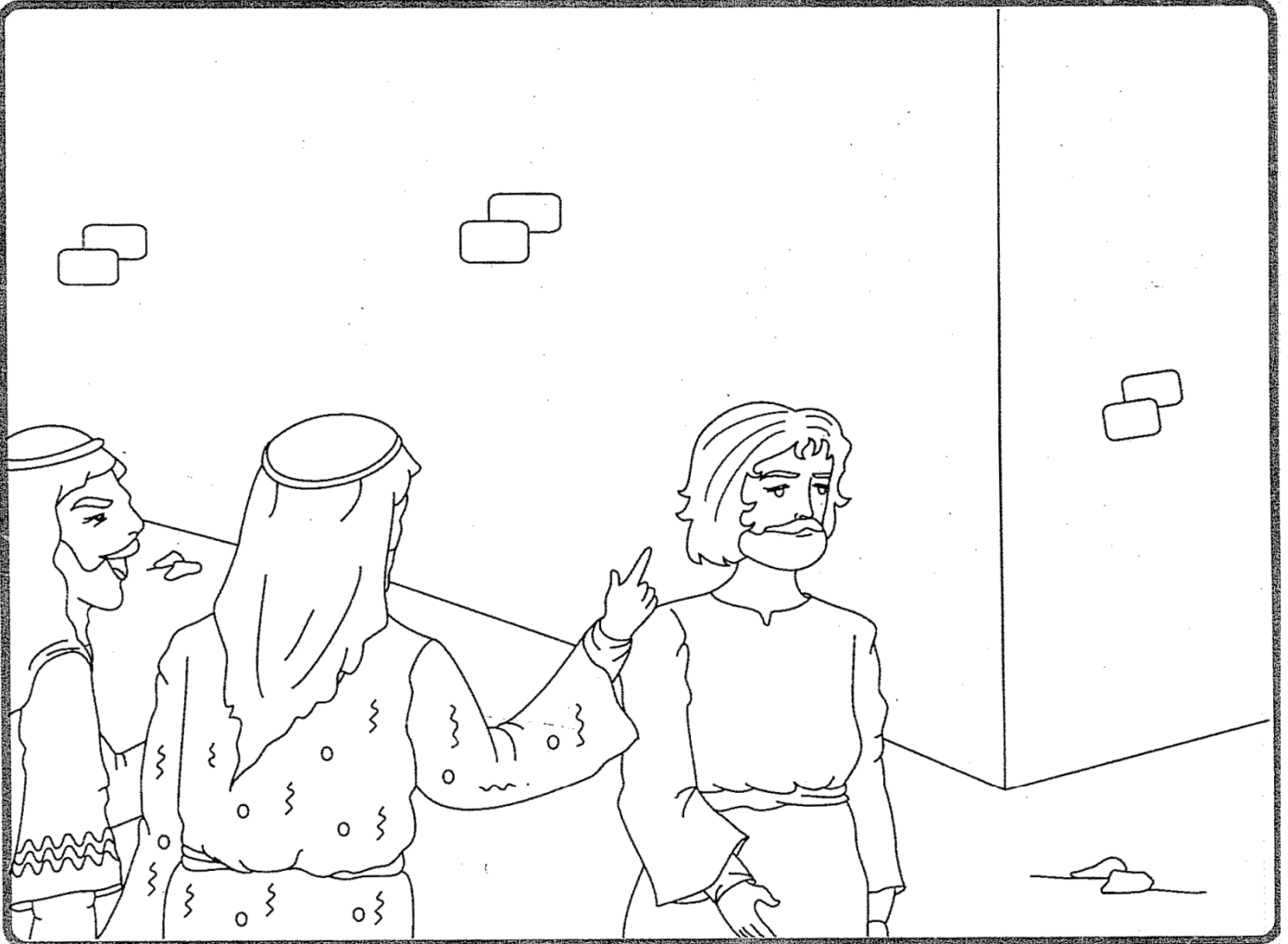


در این دنیا، بدکاران و گناهکاران، همیشه به کسانی که به خدا ایمان داشتند می خندیدند.

Behold, the sinners were laughing at the believers,

Les criminels riaient de ceux qui croyaient,

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامِرُونَ ﴿٣٠﴾

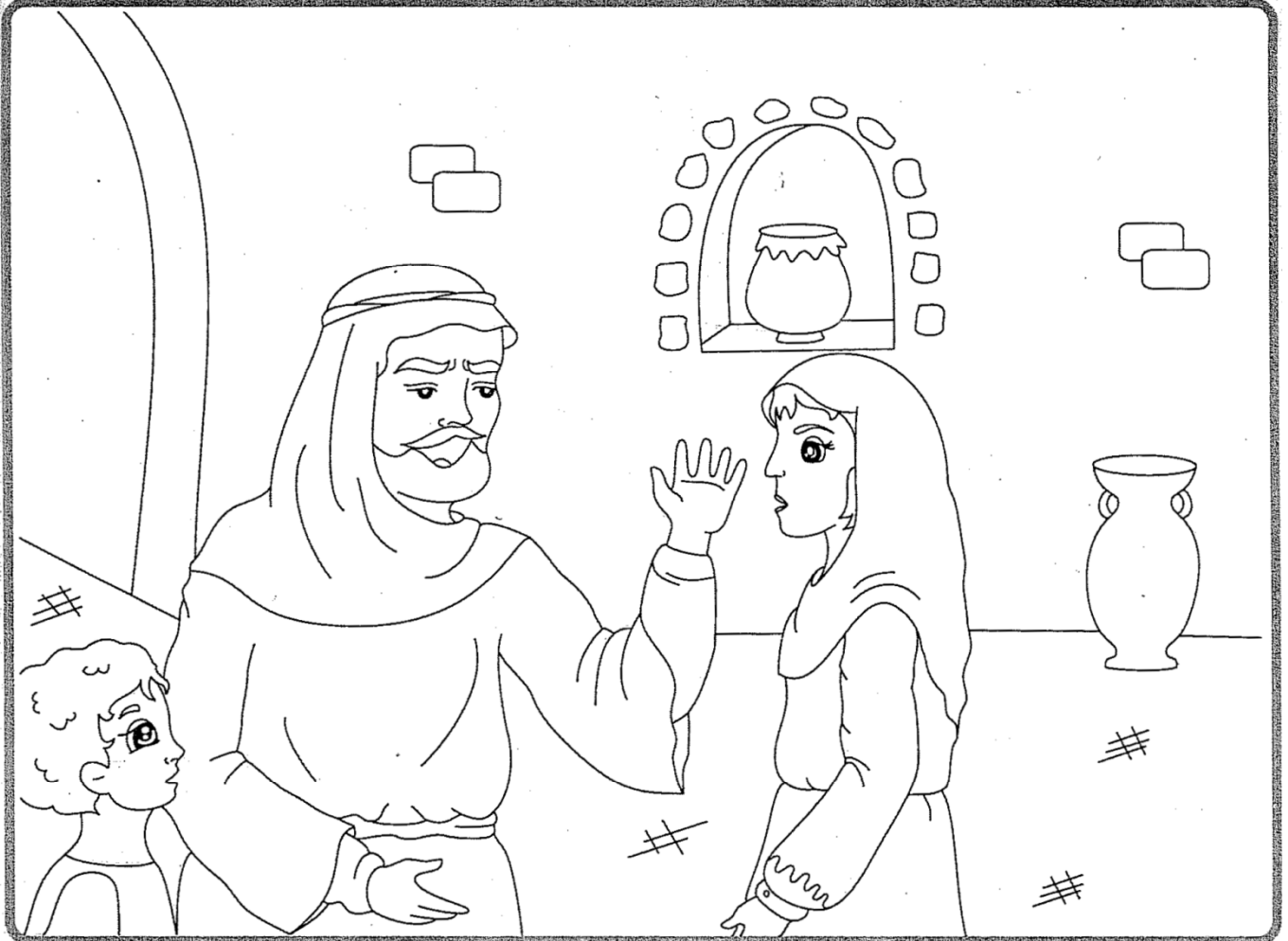


و هنگامی که به نیکوکاران با ایمان بر می خوردند با اشاره چشم و ابرو مسخره شان می کردند.

when they passed them by winking at one another,

et, passant près d'eux, ils se faisaient des œillades,

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿٣١﴾

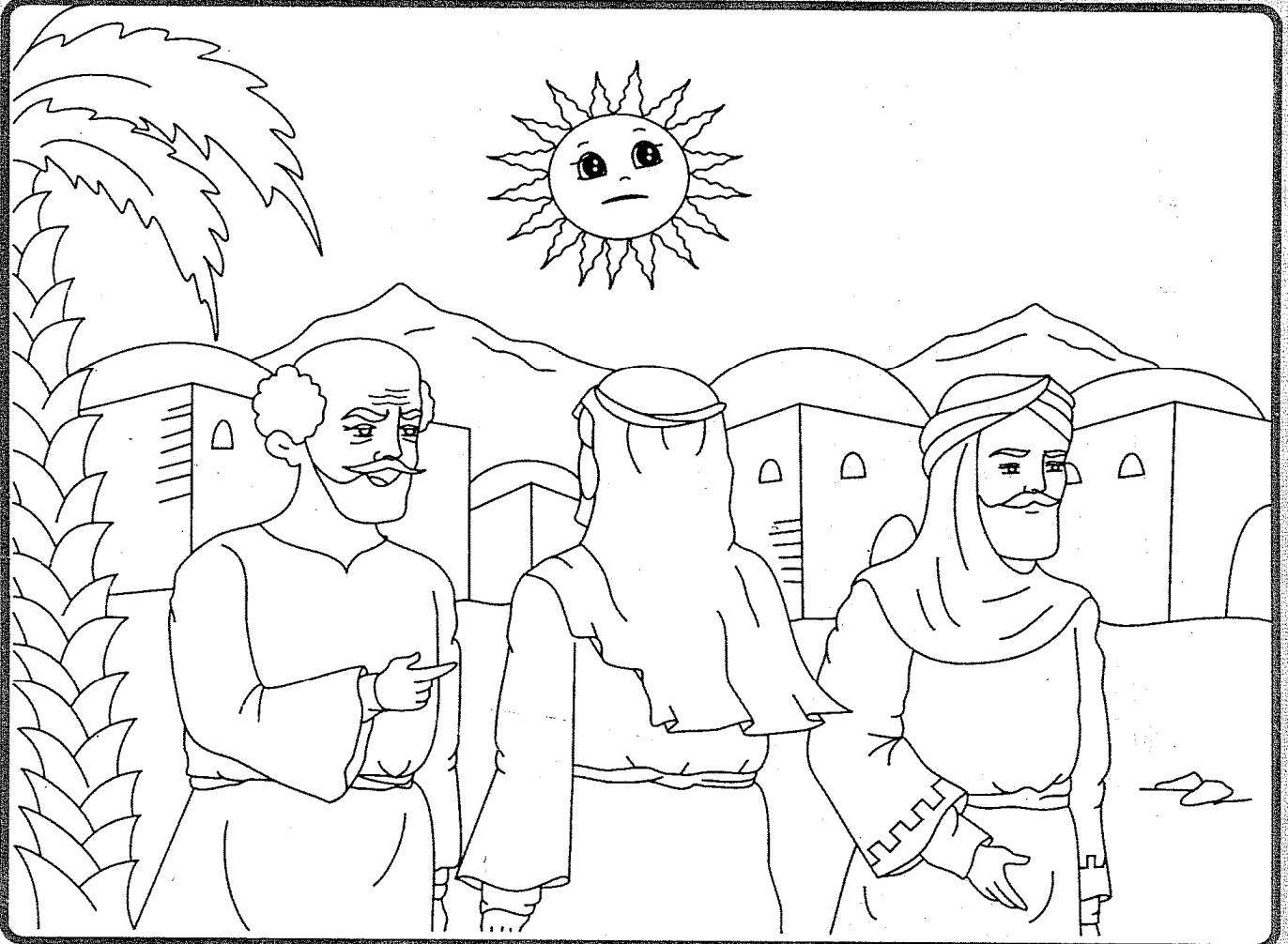


حتی، وقتی با همفکران خود در جایی جمع می شدند؛ از اینکه نیکوکاران را مسخره کرده اند، ابراز خوشحالی و خشنودی می کردند.

and when they returned to their people they returned blithely,

et, retournant dans leurs familles, ils retournaient en plaisantant,

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ﴿٣٢﴾

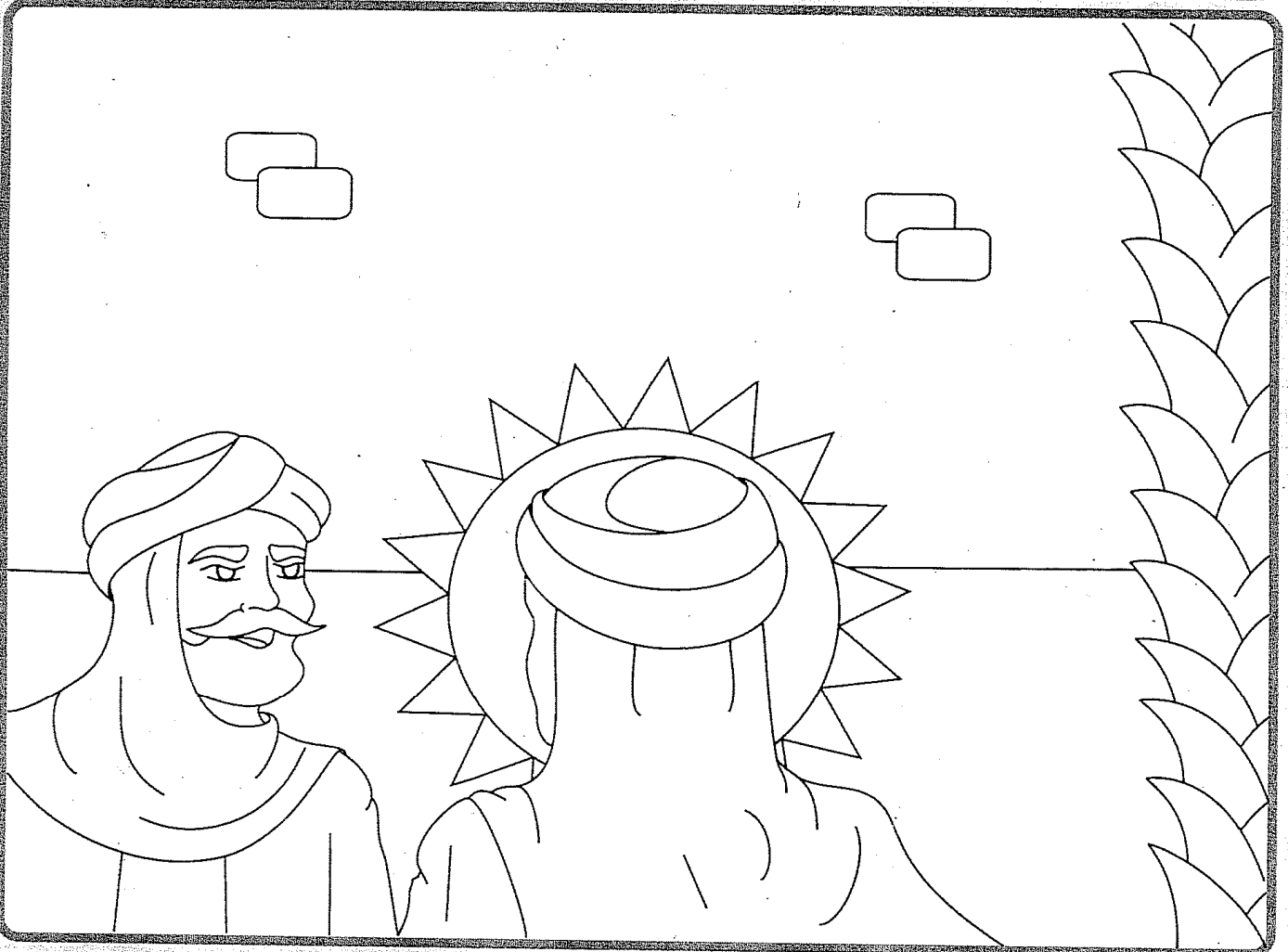


هنکامی که مؤمنان را می دیدند، می گفتند: «این ها که به محمد ایمان آورده اند، افرادی ساده لوح و گمراهند.»

and when they saw them they said, Lo, these men are astray!

et les voyant, ils disaient: «Ce sont vraiment ceux -là les égarés».

وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ﴿٣٣﴾



ولی ما بدکاران گناه آلوده را، نگهبان زندگی و مراقب کارهای مؤمنان نیکوکار نکرده بودیم تا حق داشته باشند این حرف ها را بزنند.

Yet they were not sent as watchers over them.

Or, ils n'ont pas été envoyés pour être leurs gardiens.

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٤﴾

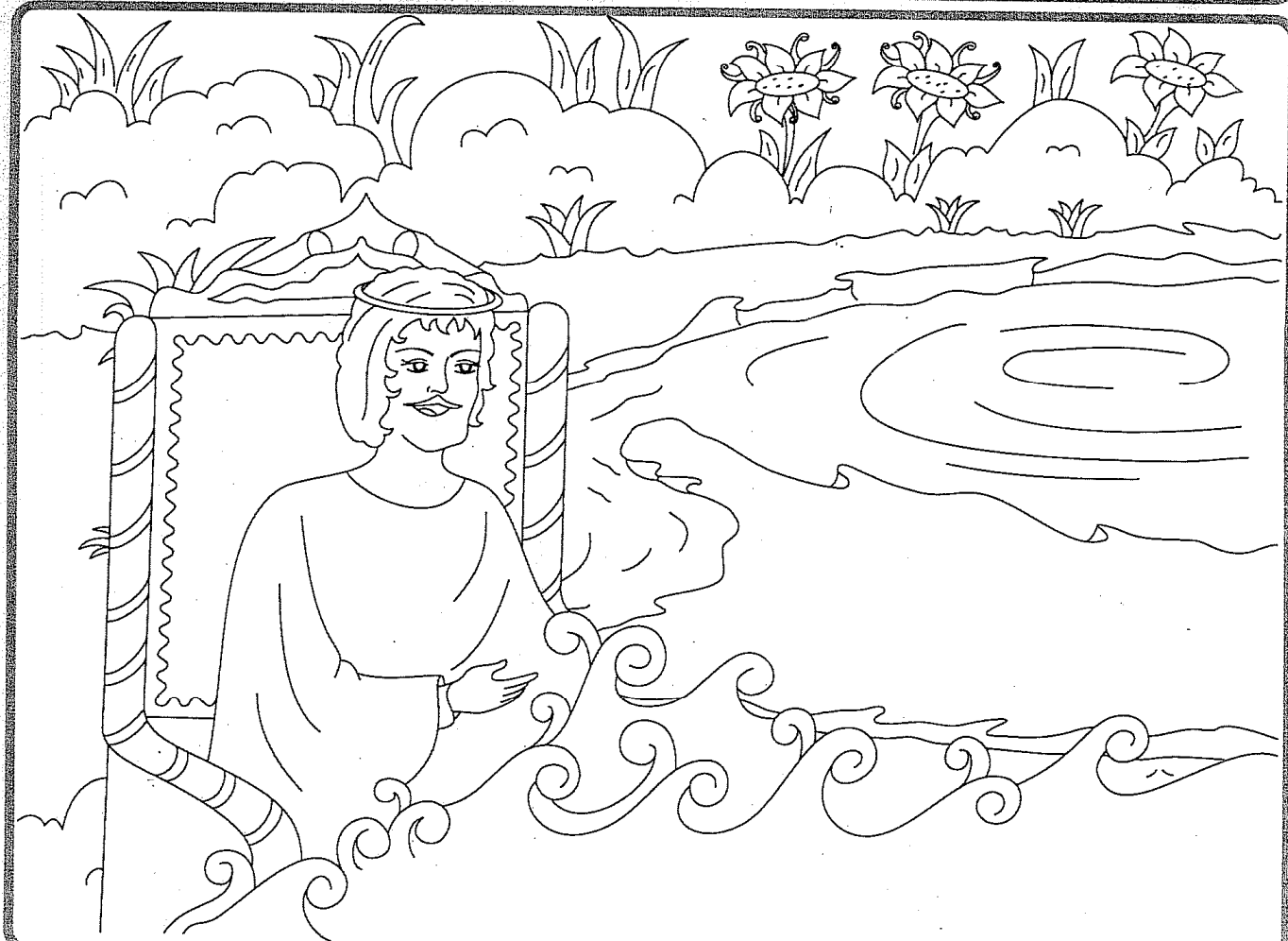


اما در روز قیامت، مؤمنان به کناهکاران می خندند.

So today the believers are laughing at the unbelievers.

Aujourd'hui, donc, ce sont ceux qui ont cru qui rient des infidèles.

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٣٥﴾



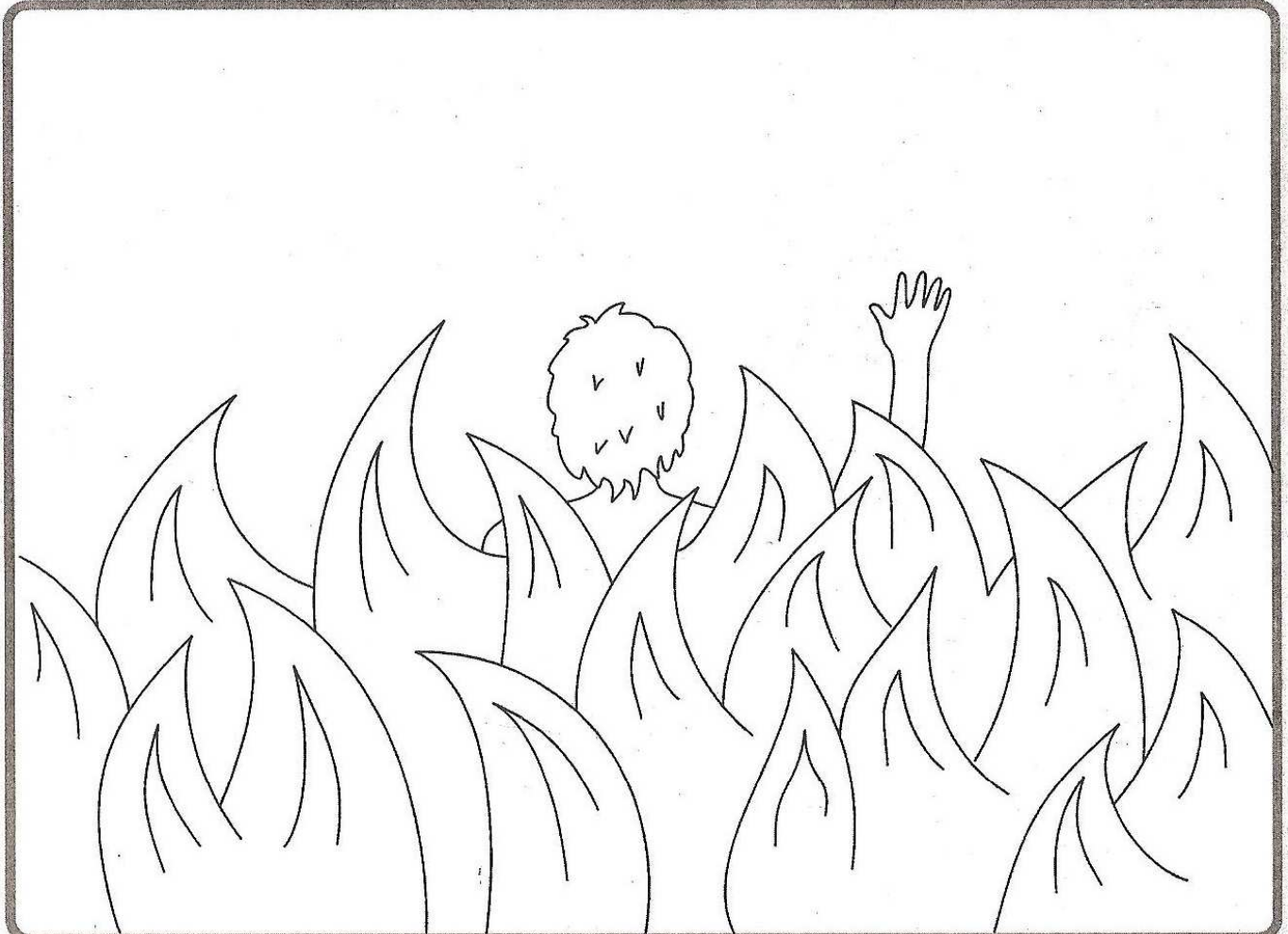
نیکوکاران در حالی که بر تخت های بهشتی تکیه زده اند، و وضعیت گناهکاران جهنمی را تماشا می کنند.

upon couches gazing.

sur les trônes, ils regardent.



هَلْ ثَوَّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾



تا ببینند که چگونه کافران به سزای کارهای ناپسندشان می رسند.

Have the unbelievers been rewarded what they were doing?

Est -ce que les infidèles ont eu la récompense de ce qu'ils faisaient?